

تأملی در احوال علی بن عیسیٰ اربلی و اخبار امام رضا (ع) در کشف‌الغمه

محمد رضا ابوئی مهریزی*

چکیده

مقاله حاضر نگاهی گذرا بر احوال بهاء‌الدین علی بن عیسیٰ اربلی صاحب کشف‌الغمه فی معرفه‌الائمہ دارد و ضمن آن برخی از برجسته‌ترین ابعاد شخصیتی وی، چون تبار کردی و شهرت تشیع او، و نیز منزلت دیوانی‌اش به اجمال بررسی شده است. در پایان نیز، به لحاظ اهمیت رویکرد خاصی که اربلی به احوال امام رضا (ع) و روابط آن حضرت با مأمون عباسی در فصل خاص آن امام در کشف‌الغمه به کار برده، به عنوان فصلی شاخص از انعکاس آرای اربلی در آن کتاب توجه شده است.

کلیدواژه‌ها: علی بن عیسیٰ اربلی، کشف‌الغمه، کرد، تشیع، امام رضا (ع).

مقدمه

بهاء‌الدین علی‌بن عیسی اربلی، خاصه به سبب اثر سترگ و جاودانش کشف‌الغمه، از تأثیرگذارترین نویسندگان عصر مغول است. توجه به این مطلب که دانشمندی کُردتبار برخاسته از یک محیط جغرافیایی و اجتماعی که به طور عمده حوزه رواج مذهب تسنن، و مصنف یکی از برجسته‌ترین و در عین حال تأثیرگذارترین متون در موضوع احوال ائمه اثنی‌عشر بوده است، در نوع خود، به لحاظ تاریخی، حائز اهمیت است و می‌تواند در میان انبوه قراین و شواهد موجود، از جمله جلوه‌های بارز پیوند و همگرایی تاریخی اهل تسنن با اندیشه تشیع اثنی‌عشری در اواخر دوره عباسی و عهد مغول، تلقی گردد روندی که در نهایت زمینه‌های تدریجی گرایش شرق جهان اسلام به‌ویژه ایران به مکتب تشیع را تا عهد صفوی مهیا ساخت. استناد پررنگ اربلی به منابع شیعی و سنی در تدوین کتاب خود و نیز اهتمام وی به تبرئه مأمون خلیفه عباسی از واقعه درگذشت امام رضا (ع) که به عنوان حکیم آل عباس و نماد دانش‌دوستی و فرهنگ‌پروری عباسیان و گرایش به اندیشه و گفت‌وگو متعادل و متوازن شیعی - سنی، نزد طیف وسیعی از اهل سنت و جماعت شناخته می‌شد، حکایت از تعامل نزدیک این دو قرائت عمده از اندیشه اسلامی در آن روزگار از رهگذر احوال ائمه اثنی‌عشر دارد.

نگاهی به احوال اربلی

اربلی منسوب به اربل یا اربیل، از بلاد الجزیره در شمال عراق عرب، است. این شهر میان زابین (دو نهر زاب بزرگ و کوچک) قرار داشت و از توابع موصل، شهر عمده الجزیره، به شمار می‌رفت. در روزگار اربلی، اغلب سکنه شهر اربل را کردانی تشکیل می‌دادند که عرب‌زبان شده بودند و اهالی توابع و روستاهای آن همه کُردزبان بودند (حموی، معجم، ج ۱، ص ۱۳۸). آمیزش عناصر عربی و کردی در محیط

زندگانی اربلی به گونه‌ای بوده است که نوشروان بغدادی، شاعر نابینا و معروف به «شیطان العراق» در قالب قصیده‌ای مشحون از واژه‌های کردی و عربی لهجه بغدادی، تصویری طنزآمیز از گفت‌وگوهای میان کردان و اهل عراق عرب در بازار اربل به دست داده است (همان، ج ۱، ص ۱۳۹).

تاریخ ولادت اربلی را ذهبی در *تاریخ الاسلام* (ج ۵۲، ص ۱۶۲) به نقل از عزالدین حسن بن احمد اربلی، سنه ۶۲۵ ق نوشته است. پدر وی، امیر فخرالدین ابوعلی عیسی بن ابی‌الفتح بن هندی شیبانی اربلی معروف به ابن حِجَنی (متوفی ۶۶۴ ق)، مردی کُردتبار از جبل هکاریه بود که امارت شهر اربیل را داشت (ابن فوطی، مجمع، ج ۳، ص ۱۰۱-۱۰۲؛ ذهبی، همانجا). اربلی خود نیز پیش از عزیمت به بغداد، نزد تاج‌الدین بن صلاحیا علوی شیعی (مقتول ۶۵۶ ق)، نایب مستعصم خلیفه عباسی در اربل، منصب دبیری و کتابت داشت (همانجا؛ صفدی *الوافی*، ج ۲۱، ص ۳۷۸؛ ابن شاکر، *فوات*، ج ۳، ص ۵۷). میرزا عبدالله افندی وی را «الوزیر الکبیر و الشیخ الخبیر» و معروف به «ابن الفخر» خوانده است (افندی، *ریاض*، ج ۴، ص ۱۶۶). هر چند افندی اصفهانی به استناد گزارشی مبنی بر وزارت اربلی در اواخر عهد عباسی، عنوان وزرات را برای وی به کار برده، لیکن همو به فقدان خبری درباره وزارت وی در تواریخ مشهور اشاره کرده، و توضیح داده است که انتساب مقام وزارت به اربلی ناشی از اشتباهی است که از اشتراک اسمی میان علی بن عیسی اربلی با علی بن عیسی بن داود الجراح وزیر مقتدر بالله (حک: ۲۹۵-۳۲۰ ق)، هجدهمین خلیفه عباسی ناشی شده است (همان، ج ۴، ص ۱۶۸-۱۶۹).

پدرش نسبت به تعلیم وی خاصه در ادب و کتابت اهتمام خاص داشت (ذهبی، *تاریخ*، همانجا). اربلی در *التذکره الفخریه* (ص ۱۰۶، ۱۹۶، ۲۱۲) از ادیب همشهری خویش، رضی‌الدین ابوالهیجاء علی بن حسن اربلی انصاری اوسی (متوفی ۶۴۹ ق) به عنوان استاد خود در ادبیات عرب یاد کرده است. پس از درگذشت استاد مزبور نیز

مراودات علمی اربلی با فرزند وی، دست‌کم تا اواخر حیات او، بر قرار بوده است. چنان‌که نام الصدر الکبیر عزالدین ابوعلی الحسن بن ابی‌الهیجاء اربلی را در میان دانشمندان پرآوازه‌ای می‌بینیم که مستمع قرائت جزء نخست کشف‌الغمه توسط مجدالدین فضل بن یحیی بن علی بن مظفر طیبی، کاتب اربلی بر مصنف بوده‌اند و طیبی در پایان آن در چهاردهم رمضان ۶۹۱ از ایشان به عنوان اشخاصی که اجازه اربلی را در روایت کشف‌الغمه دریافت داشته‌اند، نام برده و اربلی نیز به خط خود بر آن صحه نهاده است (همو، کشف‌الغمه، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۵۹۶-۵۹۷). اربلی خود از فرزند استادش با احترام و تجلیل به صورت «العزّ ابوعلی بن شیخنا» نام می‌برد و به کرات اشعاری از او نقل می‌کند (همو، تذکره، ص ۱۹۶، ۲۱۲). روابط علمی اربلی با کردان ابی‌الهیجاء که چهره برجسته‌ای چون عزالدین محمد بن ابی‌الهیجاء اربلی (۶۲۰-۷۰۰ق)، والی دانشمند و متشیع دمشق در سالهای ۶۸۴ تا ۶۹۳ق و صاحب تاریخ ابن ابی‌الهیجاء، از میان ایشان برخاسته، نیز حائز اهمیت است (ذهبی، تاریخ، ج ۵۱، ص ۱۵؛ ج ۵۲، ص ۳۱ و ۴۸۳-۴۸۴).

اربلی در ضمن تألیفاتش، به‌ویژه کشف‌الغمه از برخی اساتید و علمایی که نزد آنان تلمذ کرده یا با ایشان به مباحثات علمی پرداخته، و نیز محدثانی که به وی اجازه روایت داده‌اند، یاد کرده است. برخی از ایشان در شمار فضلالی بزرگ سده هفتم هجری هستند. او با سید رضی‌الدین ابی‌الحسن علی بن موسی بن طاوس علوی حسینی (متوفی ۶۶۴ق) درباره مفاهیم دعای امام موسی کاظم (ع) مباحثه داشته است (اربلی، کشف‌الغمه، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۶۲-۶۳). اساتید و مشایخ وی طیف وسیعی از علمای مذاهب مختلف اسلامی را تشکیل می‌دادند. چنان‌که کتاب الذریة‌الطاهره تألیف ابی‌بشر محمد بن احمد بن حماد انصاری رازی دولابی (متوفی ۳۱۰ق) را با اجازه شیخ کمال‌الدین علی بن محمد بن محمد بن محمد بن وضّاح حنبلی شهرابانی (متوفی ۶۷۲ق) و بر اساس نسخه‌ای از آن کتاب به خط وی روایت کرده است

(همان، ج ۱، ص ۴۹۲). و همچنین سید جلال‌الدین عبدالحمیدبن فخر موسوی حائری (متوفی ۶۸۴ق) او را در ذی‌الحجه ۶۷۶ اجازة روایت داده است (همان، ج ۱، ص ۴۹۲ و ۴۹۴). شیخ ابو عبدالله محمدبن یوسف بن محمد گنجی (متوفی ۶۵۸ق) محدث شافعی، از دیگر علمای برجسته عهد است که اربلی از وی سماع حدیث داشته است. اربلی طی دو مجلس که آخرین آن روز پنجشنبه شانزدهم جمادی‌الآخر ۶۴۸ بوده، در زادگاهش اربل، دو تصنیف عمده شیخ مزبور، موسوم به کتاب کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب و نیز کتاب البیان اخبار صاحب الزمان را بر وی خوانده و در تدوین کشف‌الغمّه از آن دو کتاب بهره‌مند شده است (همان، ج ۱، ص ۱۴۳؛ ج ۳، ص ۳۷۹).

به دنبال سقوط بغداد به دست هولاکو خان در سال ۶۵۶ق، اربیل و موصل نیز مورد تعرض مغولان قرار گرفتند. بنابراین اربلی در رجب ۶۶۰ به بغداد آمد و به جمع ملازمان و خادمان عظاملک جوینی پیوست و در آنجا نیز به منصب دبیری انشا گماشته شد (همو، تذکره، ص ۴۷). لیکن ابن فوطی (الحوادث، ص ۱۶۴) تاریخ عزیمت وی به بغداد و پیوستن وی به دستگاه جوینی را سه سال زودتر از این تاریخ، یعنی ۶۵۷، می‌نگارد. با توجه به اشراف و چیرگی اربلی بر ترسل و آداب آن، وی علاوه بر رسائل اداری، نگارش عرایض و رسائل عمده شرعی را نیز عهده‌دار می‌گشت. چنان‌که در جمادی‌الآخر ۶۷۰ نگارش صورت نکاحنامه و کتاب الصّدق خواجه شرف‌الدین هارون فرزند شمس‌الدین محمد جوینی صاحب دیوان الممالک و دختر ابی‌العباس احمد فرزند خلیفه فقید، مستعصم عباسی به دست وی انجام گرفت (همان، ص ۱۷۷-۱۷۸).

در ۶۸۰ق مخالفان عظاملک، از وی نزد اباق‌خان، ایلخان وقت، سعایت کردند. در نتیجه وی را مقید از بغداد نزد ایلخان روانه ساختند. اربلی نیز به عنوان یکی از ملازمان و همکاران جوینی، در این سفر آکنده از تشویش و نگرانی وی را همراهی

می‌کرد. و صاف که بیش از دیگر تاریخ‌نگاران عهد مغول جزئیات این سفر را بیان کرده، به ذکر اشعاری عربی پرداخته است که اربلی و جوینی در این مسیر از باب دلداری و تسلائی خاطر یکدیگر سروده‌اند (وصاف، تجزیه، ص ۲۱۷). لیکن در نزدیکی گردنه اسداباد همدان خبر بیماری و درگذشت اباقاخان واصل شد. با وجود این، همچنان در قید و بند بودند تا آنکه ایلخان جدید، سلطان احمد تگودار، به استمالت از ایشان پرداخت و جوینی را به حکومت بغداد بازگرداند (همان، ص ۲۱۷-۲۲۸). پس از درگذشت عظاملک جوینی در ۶۸۱ق، اربلی تا سال ۶۸۷ق که سعدالدوله یهودی در دولت ارغون خان بر سر کار آمد و نسبت به کوتاه کردن دست مسلمانان از امور کوشید، همچنان موقعیت ممتاز خویش را حفظ کرد. لیکن با قتل سعدالدوله به سال ۶۹۰ق به جایگاه خویش بازگشت و تا پایان حیات در سال ۶۹۲ق با عزت زیست (ذهبی، تاریخ، ج ۵۲، ص ۱۶۲؛ صفدی، الوافی، ج ۲۱، ص ۳۷۹؛ ابن شاکر، همانجا).

هر چند ابن فوطی در *الحوادث الجامعه*، تاریخ درگذشت اربلی را ذیل حوادث سال ۶۹۳ق ذکر کرده (ابن فوطی، *الحوادث*، ص ۲۲۷)، ذهبی در *تاریخ الاسلام*، شرح حال اربلی را در ردیف درگذشتگان سال ۶۹۲ق آورده و حتی تاریخ فوت اربلی را با استناد به دست خط شخص ابن فوطی، چهاردهم جمادی الآخر همان سال نقل کرده است (ذهبی، تاریخ، ج ۵۲، ص ۱۶۳). صلاح‌الدین صفدی و ابن شاکر نیز قائل به سال ۶۹۲ق هستند (صفدی، همانجا؛ ابن شاکر، همانجا).

از وجوه بارز شخصیت اربلی که در منابع شیعه و سنی انعکاس یافته، شهرت وی به تشیع است. نمود و شواهد این مسأله، علاوه بر اقبال اربلی به آثار بزرگان امامیه به موازات بهره‌مندی وی از منابع اهل سنت در نگارش و تدوین *کشف‌الغمه*، در میان نخستین منابع حاوی شرح احوال اربلی در سده هشتم نیز آشکارا به چشم می‌خورد؛ چنان‌که ذهبی و صفدی هر دو وی را متشیع خوانده‌اند (ذهبی، تاریخ، ج ۵۲، ص

۱۶۳؛ صفدی، همانجا؛ همو، نکت‌الهمیان، ۱۴۲۰ق، ص ۱۹۰). قراین تاریخی نیز بر رشد گرایشهای شیعی در اربل سده هفتم دلالت دارد. تاج‌الدین ابن صلیا نایب مستعصم در اربل که اربلی پیش از عزیمت به بغداد، ریاست دیوان انشای او را داشت، علوی تبار و شیعه بود (ذهبی، تاریخ، ج ۴۸، ص ۲۹۶). همچنین برخی چهره‌های شیعی در میان دانشمندان کردتبار و برجسته اهل اربل دیده می‌شدند. حسن‌بن محمد بن احمد اربلی (متوفی ۶۶۰ق)، متکلم و فیلسوف و نیز عزالدین محمد بن ابی‌الهیجاء اربلی، مورخ، ادیب و متکلم که امارت دمشق را داشت، هر دو تمایلات شیعی داشتند و نزد اهل سنت به رافضی‌گری معروف بودند (همان، ج ۴۸، ص ۴۱۱؛ ج ۵۲، ص ۴۸۴). لیکن رواج تسنن در میان ولایات کردنشین در مغرب ایران و شمال عراق، گرایش به تسنن را به صورت بخشی از ویژگی و تشخیص کردن جلوه می‌داد؛ چنان‌که علامه نورالدین عبدالرحمن بن عمر بصری حنبلی (متوفی ۶۸۴ق) در مجلسی در حضور اربلی، در واکنش به شگفت‌زدگی اربلی از حنبلی بودن یک بصری، از رافضی بودن یک‌گردد که مراد از آن شخص اربلی بوده، اظهار تعجب می‌کند (صفدی، نکت‌الهمیان، ص ۱۸۹-۱۹۰). جعفر بن ثعلب اُدُفوی نیز هرچند اربلی را شیعه می‌نامد، از ادب و احترام وی نسبت به اهل سنت و توافق با آرای ایشان یاد می‌کند (فاضلی ۱۴۲۶: پانزده).

افندی اصفهانی در باب تشیع اربلی بحث کرده و اقوال گوناگون را در این‌باره گرد آورده است. وی نخست به قول استادش علامه مجلسی استناد کرده که کشف‌الغمّه اربلی را «شهرالکتاب» و مؤلف آن را از علمای امامیه خوانده است (افندی، ریاض، ج ۴، ص ۱۶۹؛ مجلسی، بحار، ج ۱، ص ۲۹). افندی همچنین به نقل قول از فضل‌الله بن روزبهان خنجی از کتاب *ابطال نهج‌الباطل و اهمال کشف‌العاطل* می‌پردازد. ظاهراً وی در اینجا خنجی را به واسطه نگارش کتاب مزبور در کاشان (افندی، همانجا؛ ستوده ۱۳۴۱: سی و یک)، «القاسانی السنّی» نامیده است، و قول وی

را مبنی بر اتفاق علمای امامیه بر اینکه اربلی دانشمندی یگانه از علمای ایشان است، نقل کرده است. افندی، در پیروی اربلی از تشیع اثنی عشری، تردیدی به خود راه نمی‌دهد، هر چند به قول بعضی شاگردان میرداماد در حواشی آنان بر رساله «شرعة التسمیة» استاد، مبنی بر توقف در امامی بودن اربلی و انتساب وی به مذهب زیدیه، اشاره کرده است. افندی توضیح می‌دهد که آمیرزا رفیع‌الدین (میرزا محمد رفیعا طباطبایی نایینی)، از شاگردان برجسته میرداماد، قول مزبور را در نقد شرعة التسمیه رد کرده است. وی تصور غیر امامی بودن اربلی را ناشی از کتابی همنام با کشف‌الغمة وی از تألیفات زیدیه یا اهل سنت می‌داند که افندی نسخه‌ای از آن را در تبریز در میان کتب آمیرزا طاهر، وزیر آذربایجان دیده است (افندی، همانجا؛ نیز: همان، ج ۶، ص ۳۰). در حکایت اربلی از سید باقی‌بن عطوة علوی نیز، ترجیح مذهب امامیه بر مذهب زیدیه از نگاه وی به روشنی استنباط می‌شود (اربلی، کشف‌الغمة، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۴۰۴).

سرانجام، افندی در اثبات امامی مذهب بودن اربلی به تصریح وی در باب احوال امام مهدی (ع) در کشف‌الغمة استناد جسته که در آنجا از اهل تشیع با عنوان اصحاب ما یاد کرده است (افندی، ریاض، ج ۴، ص ۱۶۹). لیکن در باب مذکور، عنوان «اصحابنا الشیعه» جز آنکه به صورت «بعض الاصحاب» به کار رفته (اربلی، کشف‌الغمة، ج ۳، ص ۴۳۷) دیده نمی‌شود. با وجود این، هر چند اربلی از خلفای راشدین با عبارت احترام‌آمیز «رضی الله عنه» یاد می‌کند (همان، ص ۴۱۷) و در ذکر احوال امام مهدی (ع) از کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان نوشته ابو عبدالله محمد بن یوسف گنجی، عالم شافعی، به عنوان یکی از منابع اصلی خود، بهره برده (همان، ص ۳۷۹)، اما او فصلی را به اخبار شیعه امامیه در نص بر امامت امام دوازدهم از آل محمد (ص)، اختصاص داده است (همان، ص ۴۱۶-۴۳۷).

احاطة وسیع اربلی در ادبیات عرب و توانمندی و چیره‌دستی وی در نثر و نظم از

جنبه‌های بارز اوست که مورد ستایش شارحان احوال وی قرار گرفته است. ذهبی (تاریخ، ج ۵۲، ص ۱۶۲) او را منشی بارع، مترسل مجید و شاعر محسن خوانده است. ابن عماد حنبلی نیز او را صاحب نظم رایق و نثر فایق نامیده و قطعاتی از اشعار او از جمله دو قطعه شعر زیبا که ضمن آنها اسباب عیش جهان در پنج وضع و حالت خلاصه شده، به عنوان گلچینی از طبع شعر اربلی آورده است (ابن عماد، شذرات، ج ۵، ص ۳۸۳). شیخ حر عاملی نیز شعر و ادب و انشای اربلی را به نیکی ستوده و گزیده‌ای از اشعار وی را در مدح ائمه اطهار از کشف الغمّه نقل کرده است (حرّ عاملی، امل الآمل، ج ۲، ص ۱۹۵؛ افندی، ریاض، ج ۴، ص ۱۷۰-۱۷۲).

حر عاملی تنها کسی است که به دیوان شعر اربلی اشاره کرده است (حر عاملی، همانجا). حاجی خلیفه در میان آثار وی از «طبیف الانشاء» مشهور به «رسالة الطیف»، «المقامات أربع» و «کشف الغمّه فی معرفة الائمة» نام برده است (حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۵، ص ۵۷۲). کتاب تذکرة الفخریه نیز از آثار فاخر ادبی اربلی شامل حکایات و اشعاری از خود و سایر شعرا از جمله استادش رضی الدین ابی الهیجاء و فرزندش عزالدین ابوعلی بن ابی الهیجاء است که آن را به سال ۶۷۱ق به نام فخرالدین ابونصر منوچهر بن ابی الکرّم بن منوچهر همدانی نایب عظاملک جوینی به رشته تحریر درآورده است (اربلی، تذکرة، ص ۴۸؛ ابن فوطی، مجمع، ج ۳، ص ۲۱۳).

در این میان، کشف الغمّه اربلی، به دلیل اهمیت مذهبی آن، بیش از سایر آثار او مورد توجه قرار گرفته است. در سده هفتم هجری، که به برکت وجود شخصیت‌هایی چون خواجه نصیر طوسی، سید بن طاوس و محقق حلّی، یکی از برجسته‌ترین مقاطع حیات فکری و ادبی امامیه به شمار می‌رود، تصنیف کشف الغمّه حائز اهمیت فراوان است. این کتاب از زمان تألیف جزء اول آن در ۶۷۸ق با اقبال علما و شاگردان اربلی مواجه شد؛ چنان‌که در سال بعد، ابن فوطی که از شاگردان مشهور اربلی است و در همه جا با عنوان «شیخنا» از او نام می‌برد (ابن فوطی، مجمع، ج ۱، ص ۵۱۱؛ ج

۲، ص ۹۰، ۲۰۹، ۴۴۵؛ ج ۳، ص ۱۰۱، ۲۱۳، ۵۵۲؛ ج ۴، ص ۲۱۷، ۲۲۶). کشف‌الغمه را از علم‌الدین ابومحمد اسماعیل علوی فقیه که آن را همراه با ذکر فواید و نکات ادبی بر شخص مصنف خوانده، شنیده و با مشارکت وی کتابت کرده است (همان، ج ۱، ص ۵۱۱). با توجه به آنکه ابن فوطی در اینجا از تاریخ ۶۷۹ یاد می‌کند، باید مقصود وی، تنها جزء اول کتاب باشد که اربلی تألیف آن را در ۶۷۸ ق به پایان برده (اربلی، کشف‌الغمه، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۵۹۶). در حالی که کار نگارش جزء دوم در ۶۸۷ ق به انجام رسیده است (همان، ج ۳، ص ۴۸۶).

همچنین کشف‌الغمه در میان کتبی که در احوال ائمه اطهار به نگارش درآمده، توجه بسیاری از علمای شیعه و سنی را، به‌ویژه در سده دهم هجری، به خود جلب کرده است؛ تلخیص و تحقیق کشف‌الغمه توسط فضل‌الله بن روزبهان خنجی (ستوده ۱۳۴۱: سی و دو)، به دست دادن تصنیفی فارسی از شرح احوال چهارده معصوم در دفتر نخست کتاب فتوحات شاهی براساس این کتاب توسط صدرالدین ابراهیم امینی هروی^۱ و نیز ترجمه فارسی کشف‌الغمه به دست ابوالحسن علی بن حسن زواره‌ای تحت عنوان ترجمه المناقب از جلوه‌های بارز آن است.

افندی نسخه‌ای کهنه از کشف‌الغمه را با تاریخ کتابت ۷۸۴ به خط سید حیدر بن محمد بن علی الحسنی دیده است. حاشیه آن نسخه در بردارنده تعلیقات شیخ ابراهیم بن علی کفعمی (متوفی ۹۰۵ ق)، اجازه محقق کرکی (متوفی ۹۴۰ ق) به برخی از شاگردانش که تمام آن نسخه را بر او خوانده و توأم با بلاغهای وی گشته بود و نیز حواشی امیرزا ابراهیم همدانی (متوفی ۱۰۲۶ ق)، بوده است (افندی، ریاض، ج ۴، ص ۱۷۲-۱۷۳). افندی اظهار می‌دارد که شاگرد محقق کرکی، نسخه سید حیدر بن محمد را با نسخه دیگری به خط استاد که آن را از روی نسخه‌ای به خط علامه حلّی (متوفی ۷۲۶ ق) با تاریخ کتابت ۷۰۶ ق استنساخ کرده بود، به تصحیح رسانده

۱. امینی هروی، فتوحات شاهی، دفتر اول، نسخه خطی کتابخانه وزیر یزد، ش ۱۲۳.

است. اهمیت نسخه علامه حلّی در آن است که وی آن را بر اساس نسخه اصلی شخص اربلی، تصحیح کرده است (همانجا).

ظاهراً نسخه سید حیدرین محمد مذکور همان نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۲۱۲۴ است که علی فاضلی در مقدمه خویش بر کشف الغمّه آن را معرفی کرده است (فاضلی ۱۴۲۶: صد و سی و شش - صد و سی و هشت). در انجامه نسخه‌ای که در ۹۰۸ ق مقابل و تصحیح شده و اختلافات با علامت «خ» در حاشیه خاطر نشان شده، توضیح داده شده است که علامه حلّی به تاریخ سوم شعبان سال ۷۰۶ کار مقابله نسخه خود را با نسخه مصنف مربوط به سال ۶۷۸ به پایان برده است. شیخ آقا بزرگ طهرانی در میان کتب سید محمد یزدی، دستنویس دیگری از حیدرین محمد بن علی با شهرت ابوالحسن الواعظ الحسینی از تفسیر جوامع الجامع شیخ طبرسی با تاریخ استنساخ ۷۴۳ دیده بوده است (طهرانی، طبقات، ج ۳، ص ۷۱). او توضیح می‌دهد که محقق کرکی در سال ۹۲۴ ق بر ظهر نسخه حیدرین محمد برای شاگردش برهان‌الدین ابراهیم بن زین‌الدین علی بن جمال‌الدین یوسف خوانساری اجازه روایت نوشته است (همانجا؛ همو، الذریعه، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۱۲).

اخبار مربوط به امام هشتم در کشف الغمّه شخصیت اربلی به لحاظ گردآوری و انعکاس سیره پیشوایان و امامان شیعه، از جمله امام هشتم، اهمیت بسزایی دارد. چیره‌دستی او در علم حدیث و ادبیات عرب و بهره‌مندی وی از خیل کثیری از منابع و راویان شیعه و سنی، تأثیر فراوانی بر اعتبار تصنیف وی نهاده است.

با وجود اشتغال کشف الغمّه بر احوال چهارده معصوم، ترجمه اربلی از احوال امام هشتم واجد ویژگی‌های شایان توجهی است؛ از جمله اینکه باب امام رضا (ع) یکی از مطول‌ترین فصول آن کتاب است. اخبار اربلی از امام رضا (ع) منحصر به باب آن

امام نیست، بلکه به تناوب روایاتی را از آن حضرت در دیگر ابواب کتاب در احوال سایر ائمه ذکر کرده است (به عنوان مثال: اربلی، کشف‌العَمّه، ج ۱، ص ۵۰۳؛ ج ۳، ص ۳۵۷-۳۵۸). اربلی در این باب نیز منابع مختلف شیعه و سنی را دستمایه تألیف خویش قرار داده است. او علاوه بر استناد به آثار راویان و مصنفان مشهور شیعه چون فضل‌بن شاذان نیشابوری (متوفی ۲۶۰ق)، عیون اخبارالرضای شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱ق)، الارشاد شیخ مفید (متوفی ۴۱۳ق)، نثرالدُّرر ابوسعید آبی (متوفی ۴۲۱ق)، إعلام‌الوُری بالأعلام‌الهُدای شیخ طبرسی (متوفی ۵۴۸ق) و کتاب‌الخرایج و الجرایح قطب‌الدین راوندی (متوفی ۵۷۳ق)، به آثار دانشمندان برجسته دیگری مانند ابراهیم‌بن عباس صولی (متوفی ۲۴۳ق)، تاریخ نیشابور امام ابو‌عبدالله حاکم نیشابوری (متوفی ۴۰۵ق)، حلیة‌الاولیا و طبقات‌الاصفیای حافظ ابونعیم احمدبن عبدالله اصفهانی (متوفی ۴۳۰ق)، رساله قشیریة ابوالقاسم قشیری (متوفی ۴۶۵ق)، تاریخ‌الائمه و وفیاتهم از ابی‌محمد عبدالله بن احمدبن ابن‌الخشّاب بغدادی (متوفی ۵۶۷ق)، مثيرالعزم‌الساکن الی اشرف‌الاماکن و صفه‌الصفوة ابوالفرج عبدالرحمن‌ابن‌الجوزی (متوفی ۵۹۷ق)، معالم‌العترة‌الطاهرة ابو محمد تقی‌الدین عبدالعزیزبن محمودبن مبارک‌بن‌الاخضر جنابدی حنبلی (متوفی ۶۱۱ق) و مطالب‌السؤال فی مناقب آل‌الرسول ابوسالم کمال‌الدین محمدبن طلحة نصیبی شافعی (متوفی ۶۵۲ق) توجه ویژه داشته است. اربلی در این باب همچنین از منبعی که از نام آن آگاهی نداشته استفاده کرده است (همان، ج ۳، ص ۱۴۴).

او در خلال ذکر احوال امام رضا (ع)، در ارزیابی منابع مورد استفاده خویش، آنها را از نگاه انتقادی‌اش به دور نداشته و از اینکه حافظ ابونعیم اصفهانی با وجود اتصاف به تشیع و نیز ابوالفرج ابن‌الجوزی در اخبار امام جعفر صادق (ع) و امام موسی کاظم (ع) متوقف مانده و به احوال جانشینان ایشان از جمله امام رضا (ع) وارد نشده‌اند، به نکوهش آنان پرداخته است. این در حالی است که از دید او این

دو، کتابهای خود را آکنده از ذکر عابدان گمنام و بی‌اصل و نسب ساخته‌اند (همان، ص ۱۴۱-۱۴۲). او نظیر همین اشکال را به توقف عبدالعزیز جنابدی در امام حسن عسکری (ع) و عدم توجه به امام دوازدهم، گرفته است. در این میان تلویحاً به ستایش از کمال‌الدین محمد بن طلحه شافعی پرداخته که ذکر احوال ائمه اثنی عشر را به تمامی کرده است (همانجا).

از وجوه قابل توجه این باب، ضبطی است که اربلی از صورت عهد مأمون با امام رضا (ع) به دست داده است (همان، ص ۱۷۲-۱۷۷). اهمیت این ضبط در آن است که بنابر گزارش خود آن را بر اساس نسخه اصل به خط مأمون، با تاریخ روز دوشنبه هفتم ماه رمضان ۲۰۱ نقل کرده است. او از این طریق، موفق به رؤیت خط امام رضا (ع) نیز گشته است. زیرا پشت عهد مذکور، توسط آن حضرت در رمضان همان سال توشیح شده بود (همان، ص ۱۷۷-۱۷۹). اربلی در درج محتویات این مکتوب دقت تمام مبذول داشته و حتی سجلات آن که از بزرگانی چون یحیی بن اکثم (متوفی ۲۴۲ق)، عبدالله بن طاهر (متوفی ۲۳۰ق)، بشر بن معتمر (متوفی ۲۱۰ق) و فضل بن سهل سرخسی (مقتول ۲۰۳ق) در گواهی بر مضمون ظهر و بطن آن بوده، قید کرده است (همان، ص ۱۷۸-۱۷۹). مکتوب مزبور در ۶۷۰ق به وسیله برخی از خادمان آستان مقدس آن حضرت در طوس به دست اربلی رسیده است (همان، ص ۱۷۲). وی متعاقباً در ۶۷۷ق در واسط پاسخ امام رضا (ع) به مأمون را که در ۲۰۱ق به دست خود آن حضرت نوشته شده، رؤیت و در کشف الغمّه ضبط کرده است (همان، ص ۱۷۹-۱۸۰). اهمیت این گزارش به گونه‌ای است که افندی که دقت ویژه‌ای در نقل نکات مهم در کشف الغمّه مبذول داشته، آن را نقل کرده است (افندی، ریاض، ج ۴، ص ۱۶۷).

اربلی اقوال گوناگون در باب رحلت امام رضا (ع) از جمله اخبار مبتنی بر مسمومیت آن حضرت توسط مأمون را نقل کرده، به نقد نگاه شیخ مفید در این باره

پرداخته و خود در صحت نقش آن خلیفه در واقعه درگذشت امام رضا (ع) تردید کرده است. وی در میان ادله‌اش، با اعتماد به حافظه خود، به استناد به کتاب *التدبیر* که در زمان نگارش *کشف الغمّه* آن را در اختیار نداشته، به ذکر حکایتی می‌پردازد که بر طبق آن، مأمون در برابر سرزنشها و فشارهای بنی‌عباس در باب نارضایتی از نصب یک علوی به ولایتعهدی خویش، با پاسخهای درشت به تحقیر عباسیان و حمایت از امام رضا (ع) پرداخته است (اربلی، *کشف الغمّه*، ج ۳، ص ۱۱۲-۱۱۳). وی در تأیید دیدگاه خود به قول دانشمند شیعی معاصرش، سیدبن طاوس که او را اهل مطالعه دقیق و موشکافانه خوانده، استناد کرده که با گزارش زهر دادن مأمون به امام رضا (ع) موافقتی نداشته است (همان، ص ۱۱۱-۱۱۲). علی فاضلی در تعلیقات و حواشی خود بر *کشف الغمّه*، نقد کفعمی بر این دیدگاه اربلی را از حاشیه نسخه دستنویس وی از آن اثر (مورخ ۸۹۴ق، محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۲۱۲۵) به انضمام آرای علامه مجلسی در *بحار الانوار* و *مرآة العقول* و سید محسن امین در *اعیان الشیعه* را نقل کرده است (فاضلی، تعلیقات و حواشی بر *کشف الغمّه*، ج ۳، ص ۳۷۴-۳۷۷).

اربلی که با بهره‌مندی از دانش ادبی و مهارت خویش در فن شعر و ترسل، متنی فاخر در *کشف الغمّه* به دست داده است، توصیف خود از احوال امام رضا (ع) را با ذکر قصیده‌ای زیبا و استوار از سروده‌هایش در مدح و منقبت آن حضرت، به پایان برده است (اربلی، *کشف الغمّه*، ج ۳، ص ۱۸۲-۱۸۴). حر عاملی نیز که از ستایندگان آن کتاب و مصنفش است، ابیات سوم و چهارم از قصیده مزبور را که مزین به نام علی بن موسی‌الرضا و سراینده آن علی بن عیسی اربلی است، در ذیل احوال اربلی در *امل الآمل ضبط کرده است* (حر عاملی، همانجا؛ افندی، ریاض، ج ۴، ص ۱۷۱).

منابع

- ابن شاکر کتبی، محمد، *فوات الفویات*، تحقیق احسان عباس، بیروت، ۱۹۷۴م.
- ابن عماد الحنبلی، ابی الفلاح عبدالحی، *شذرات الذهب فی اخبار من ذهب*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، [بی تا].
- ابن فوطی البغدادی، کمال الدین ابی الفضل عبدالرزاق، *الحوادث الجامعة و التجارب النافعه فی المائة السابعة*، بیروت، دارالفکر الحدیث، ۱۴۰۷ق.
- ابن فوطی البغدادی، کمال الدین ابی الفضل عبدالرزاق، *مجمع الآداب فی معجم الانساب*، تحقیق محمدکاظم، تهران، مؤسسه الطباعة و النشر وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، ۱۳۷۴ش.
- الإربلی، بهاء الدین علی بن عیسی، *التذکرة الفخریه*، تحقیق نوری حمودی القیسی و حاتم صالح الضامن، بغداد، مطبعة المجمع العلمی العراقی، ۱۴۰۴ق.
- الإربلی، بهاء الدین علی بن عیسی، *کشف الغمّه فی معرفة الاثمه*، تحقیق علی الفاضلی، تهران، مرکز الطباعة و النشر للمجمع العالمی لأهل البيت (ع)، ۱۴۲۶ق.
- الإربلی، بهاء الدین علی بن عیسی، *کشف الغمّه فی معرفة الاثمه*، همراه با ترجمه و شرح فارسی علی بن حسن زواره ای موسوم به *ترجمة المناقب*، تصحیح آقا سید ابراهیم میانجی، تهران، اسلامیه، ۱۳۸۱ش.
- افندی الاصفهانی، میرزا عبدالله، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، تحقیق سید احمد حسینی، قم، منشورات مکتبة آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۳ق.
- امینی هروی، صدرالدین ابراهیم، *فتوحات شاهی*، دفتر اول (نسخه خطی، کتابت ۱۱۷۵ق)، کتابخانه وزیری یزد، شماره ۱۲۳.
- حاجی خلیفه (القسطنطنی الرومی الحنفی)، *مصطفی بن عبدالله، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *امل الآمل*، تحقیق سید احمد حسینی، نجف، مطبعة الآداب، ۱۳۸۵ق.
- حموی، یاقوت بن عبدالله، *معجم البلدان*، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م.
- خنجی، فضل الله بن روزبهان، *مهمان نامه بخارا*، به اهتمام منوچهر ستوده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۱ش.
- الذهبی، شمس الدین محمد، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام*، تحقیق عمر عبدالسلام

- تدمری، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۱۳ق.
- ستوده، منوچهر، ۱۳۴۱، «مقدمه مصحح» ← خنجی.
- الصفدی، صلاح‌الدین خلیل‌بن ایبک، نکت‌الهمیمان فی نکت‌العمیان، تحقیق احمد زکی بک، قاهره، مکتبه الثقافه‌الدینیّه، ۱۴۲۰ق.
- الصفدی، صلاح‌الدین خلیل‌بن ایبک، السوافی‌بالوفیات، تحقیق محمد الحجیری، اشتوتگارت، دارالنشر فرانز شتاینر، ۱۴۱۱ق.
- طهرانی، شیخ آقا بزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ق.
- طهرانی، شیخ آقا بزرگ، طبقات اعلام‌الشیعه، قم، مؤسسه اسماعیلیان، [بی‌تا].
- فاضلی، علی، ۱۴۲۶ق، «مقدمه مصحح» ← الإربلی (کشف‌الغمّه، تحقیق علی الفاضلی).
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، به اهتمام سید جواد علوی و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ش.
- وصّاف شیرازی، شرف‌الدین عبدالله، تجزیة الامصار و تجزیة الاعصار، ج ۱، چاپ سنگی، تصحیح محمد کاظم، [بی‌جا]، دارالطباعة حاجی احمد آقا، ۱۳۱۴ق.
- الهذبانی الإربلی، عزالدین محمد بن ابی‌الهیجاء، تاریخ ابن ابی‌الهیجاء، تحقیق صبحی عبدالمنعم محمد، قاهره، ریاض الصالحین، ۱۴۱۳ق.